

بازخوانی ادله‌ی مجازات زانی محصن و محصنه بانابالغ (نقد ماده ۲۲۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲)

ملیحه نوربخش^۱، حمید مسجdsرانی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۳/۱۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۲۹)

چکیده

گذشته از ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی که مجازات رجم در زنا توسط زانی محصن با زن بالغه و نیز زانیه محصنه با مرد بالغ را پذیرفته است، در ماده ۲۲۸، در فرضی که طرف مقابل زنا، نابالغ باشد زانیه را مستحق فقط صد ضربه «شلاق» می‌داند ولی حکم عکس آن، یعنی مجازات زانی محصن در زنا با دختر بچه غیر بالغه را به سکوت گذاشته و گذشته است. منابع فقهی حاکی از این است که فقهای امامیه در این موضوع، فتوای واحدی ندارند؛ به طوری که مشهور فقها محصن و محصنه را مستحق صد ضربه شلاق می‌دانند؛ برخی نیز در هر دو فرض، به ثبوت رجم حکم کرده اند؛ و قول سوم قائل به تفصیل شده و «مرد» زانی محصن را مستحق «رجم»، و «زن» زانیه محصنه را مستحق صد ضربه «شلاق» می‌داند. نوشتار حاضر - با روش توصیفی تحلیلی - به بازخوانی ادله این حکم و نقد و بررسی روایات وارده پرداخته و ضمن تقویت مبانی دیدگاه غیر مشهور آن را أرجح تلقی کرده است. یافته اصلی تحقیق حاکی از این است که ادله‌ی استنادی نظیر عموم روایت ابوصبیر، اصل برائت از رجم و وجود شبهه، از صلاحیت کافی برای نفی مجازات رجم از مرد زانی محصن برخوردار نبوده و مرد زانی محصن در فرض زنا با دختر بچه محکوم به رجم خواهد بود؛ برخلاف زانیه محصنه در فرض زنا با پسر بچه، که فقط به صد ضربه شلاق محکوم می‌شود. ضمناً با هدف رفع ابهام و اجمال از ماده فوق‌الذکر، پیشنهاد شده است قانون‌گذار با افزودن تبصره‌ای به ماده ۲۲۸، به مجازات «رجم» برای زانی محصن در زنا با غیر بالغه تصریح نماید.

کلید واژه‌ها: مرد محصن، زن محصنه، زانی محصنه، رجم، جلد

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان؛

Email: Malihe Nourbasksh@semnan.ac.ir

۲. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، (نویسنده مسئول)؛

Email: h_masjedsaraie@semnan.ac.ir

مقدمه و پیشینه‌ی تحقیق

رجم یکی از اقسام هشت‌گانه مجازات زناست. بین فقها هیچ اختلافی نیست در این‌که مجازات زناکار محصن، رجم است و فرقی نمی‌کند که مرد باشد یا زن؛ و در این‌خصوص ادعای اجماع محصل و منقول شده است. [۱۰، ص ۴۲۲ و ۴۲۳۹] مستند این حکم، روایات متعددی است و مشهور فقهای امامیه همین نظریه را دارند. [ر.ک: ۸، ج ۱۸، ص ۳۴۹] ماده ۲۲۵ ق.م.ا. ۹۲ نیز به تبعیت از نظر فقیهان امامیه، آورده است: «حدّ زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است...». با توجه به تعریف فقها از احصان، هشت شرط برای تحقق آن لازم است: دخول موجب غسل؛ بالغ بودن دخول کننده، عاقل بودن دخول کننده؛ آزاد بودن دخول کننده؛ نزدیکی در جلو؛ وجود عقد دائم یا ملک یمین؛ امکان نزدیکی و دسترسی به همسر در صبح و شام؛ و معلوم بودن نزدیکی به وسیله اقرار مرد یا بیّنه بر آن. [۵، ج ۹، ص ۷۳-۷۸]

به اعتقاد همه فقیهان [۲۵، ج ۱، ص ۱۹۸] حکم به اجرای رجم در زنا ی محصنه، در فرضی است که هر دو طرف زنا بالغ باشند؛ به عبارت دیگر، هرگاه مرد محصن با زن بالغه‌ی عاقله زنا کند، و یا زن محصنه با مرد بالغ مرتکب رابطه‌ی نامشروع گردد محکوم به رجم می‌شوند. اما فرض دیگر آن است که یکی از دو طرف زنا نابالغ باشد. به این صورت که مرد بالغ محصن با غیر بالغه (صبیه) زنا کند و یا زن بالغه محصنه با غیر بالغ (طفل) چنین عملی را انجام دهد. در اینجا سؤال قابل طرح آن است که آیا در این حالت هم که یکی از دو طرف زنا بالغ و طرف دیگر، غیر بالغ است مجازات رجم ثابت می‌شود یا نه؟ با تتبع در متون فقهی معلوم می‌شود که فقهای امامیه درباره‌ی حکم چنین فرضی اتفاق نظر نداشته و درباره اجرای مجازات رجم بر محصن و محصنه اختلاف نظر دارند؛ عده‌ای به ثبوت شلّاق برای مرد محصن و زن محصنه، و عده‌ای به ثبوت رجم برای مرد محصن و زن محصنه قائل شده و قول سوم هم ضمن قائل شدن به تفصیل و تفاوت بین مرد و زن زناکار، مرد محصن را محکوم به رجم، و زن محصنه را محکوم به شلّاق دانسته است.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۲۲۸ آورده است: «در زنا ی با محارم نسبی و زنا ی محصنه، چنان‌چه زانیه، بالغ و زانی، نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلّاق است.» این در حالی است که تبصره‌ی ماده ۸۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «زنا ی زن محصنه با نابالغ موجب حدّ تازیانه است؛» در واقع می‌توان گفت با توجه به تبصره‌ی مذکور، مقنّن در ماده ۲۲۸ ق.م.ا. حکم تبصره‌ی ماده ۸۳ قانون سابق را

توسعه داده و آن را علاوه بر زناى مستوجب رجم، در زناى مستوجب قتل نیز - که یکی از موارد آن زناى با محارم است - جاری می‌داند. ماده‌ی مذکور در خصوص زناى مرد بالغ محسن با دختر صغیره سخنی به میان نیاورده است. همچنین ماده ۲۲۴ ق.م.ا. که تحت مواردی حکم زنا را اعدام اعلام کرده است در تبصره‌ی دوم خود، روشن و واضح نیست که چرا قانون‌گذار در حکم زناى به عنف، بین دختر نابالغ (صغیره) و زن بالغ قائل به تفکیک نشده است. [۲۹، ج ۱، ص ۶۰۰] تنها تصریح قانون مجازات اسلامی در مورد زناىی که یکی از طرفین نابالغ باشد تبصره‌ی ۲ ماده ۲۲۱ است که بیان می‌دارد: «هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌گردد». همان‌طور که مشاهده می‌شود این ماده، در خصوص شخص زناى بالغ که با دختر بچه زنا کند هیچ حکمی را بیان نکرده است. همچنین قسمت اول این ماده که در تعریف زنا بیان می‌دارد: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه‌ی زوجیت بین آنها نبوده...» از جماع مرد با صغیره سخنی نیاورده و شاید به همین خاطر است که در تبصره‌ی ۲ ماده ۲۲۱ قانون جدید، مقنن اندکی سعی کرده‌است تا به این مسئله توجه کند؛ هرچند هنوز مسائل مبهمی همچون عدم بیان حکم زناى شخص زناى بالغ با دختر بچه در این ماده وجود دارد و شاید بتوان گفت به همین علت است که برخی از حقوق‌دانان، زناى زناى بالغ با دختر صغیره را لزوماً زنا نمی‌دانند، بلکه صرفاً آن را یک تعرض و تجاوز جنسی و از مصادیق آزار و اذیت جنسی می‌دانند که می‌تواند حتی مجازاتی شدیدتر از مجازات یک‌صد ضربه شلاق را داشته باشد. [۲۸، ص ۱۹ و ۵۴]

لازم به ذکر است که در زمینه‌ی موضوع تحقیق حاضر، در نوشته‌های پیش از این، ادله و مبانی دیدگاه‌های مختلف، مورد توجه و واکاوی قرار نگرفته است و تحقیق مستقلی را نمی‌توان در این خصوص نام برد. مسأله اصلی نوشتار پیش‌رو، تحلیل و واکاوی در ادله دیدگاه‌های فوق‌الذکر بوده و سعی بر آن است که با بررسی تحلیلی ادله هر سه دیدگاه، و نیز با ملاحظه ادله‌ی نقلی، مخصوصاً روایاتی که در این زمینه وارد شده است، دیدگاهی که با مبانی عقلی و شرعی، سنخیت بیشتری داشته باشد را ارائه و تقویت نمایند.

۱- اقوال فقها درباره حکم زناکار بالغ با نابالغ

با مراجعه به منابع فقهی می‌توان دریافت که در خصوص حدّ زناى زانی محسن با صغیره (دختر بچه) و زانیه‌ی محصنه با صغیر (پسر بچه) به طور کلی فقها سه قول را مطرح کرده‌اند:

قول اول- مرد زانی محصن در صورت زنا با دختر بچه و زن زانیه‌ی محصنه در فرض زنا با پسر بچه، صد ضربه شلاق می خورد.

قول دوم- بر زانی و زانیه، مجازات رجم اجرا می شود.

قول سوم- بین زانی زن محصنه با پسر بچه و بین زانی مرد محصن با دختر بچه باید قائل به تفصیل شد؛ به این صورت که در اولی فقط حد زن محصنه، صد ضربه تازیانه است و در دومی، رجم برای مرد زانی محصن به قوت خود باقی است.

نکته‌ی قابل توجه این که فقها در زانی محصن با صغیره، هر حکمی را که برای صغیره به خاطر فقدان قوه‌ی درک و تمییز در نظر گرفته‌اند برای زن دیوانه هم به خاطر فقدان عقل در نظر گرفته و حکم این دو را یکسان پنداشته‌اند. در پژوهش حاضر ابتدا به اقوال فقها در خصوص حکم زانی زانی محصن با صغیره و زانی زانیه‌ی محصنه با صبوی پرداخته می شود و پس از آن با بررسی ادله و نقد آن‌ها به بیان قول مختار با ذکر ادله‌ی آن خواهیم پرداخت.

۲- قول اول: حکم شلاق (جلد) برای زانی و زانیه و ادله آن

مشهور فقها، قائل به عدم ثبوت رجم شده و برای زناکار محصن و محصنه به اجرای صد ضربه تازیانه حکم کرده‌اند. [۱۴، ج ۴، ص ۹۳۷؛ ۱۵، ص ۲۱۵؛ ۱، ص ۴۳۲؛ ۱۳، ج ۵، ص ۲۶؛ ۲۱، ص ۵۵۲؛ ۱۷، ص ۲۴۴؛ ۱۸، ج ۵، ص ۳۱۸؛ ۱۶، ج ۲، ص ۱۷۱؛ ۲۰، ج ۹، ص ۱۴۲؛ ۱۹، ج ۳، ص ۵۲۷؛ ۵، ج ۹، ص ۱۰۲؛ ۳۱، ص ۶۹۵-۶۹۶] این گروه از فقها بین مرد محصن و زن محصنه تفاوتی قائل نشده و در صورت ارتکاب زنا توسط هر یک از این افراد در فرضی که طرف مقابل نابالغ باشد، به مجازات یک صد ضربه شلاق حکم کرده‌اند. طرفداران این دیدگاه برای اثبات ادعای خود به دلایل زیر استناد جسته‌اند:

۱-۲. دلیل اول: اصل براءة از رجم

هرگاه در چنین فرضی شک شود که بر زانی مجازات رجم واجب است یا نه؟ با اجرای اصل براءة، مجازات رجم را از زن و مرد زناکار نفی می کنیم. [۵، ج ۹، ص ۱۰۴؛ ۶، ج ۱۴، ص ۳۶۴؛ ۳۷، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ۴۰، ج ۳، ص ۸۸؛ ۲۶، ج ۲۵، ص ۴۱۵؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۴، ج ۱، ص ۴۵۴]

نقد و بررسی: اشکال این دلیل آن است که اولاً- از منظر فقها، در زانی مرد

محسن با صغیره یا زن مجنونه، در مجنونه و صغیره قطعاً بعد از حصول دخول، عنوان «زناى محصنه» صادق است؛ [۲۳، ج ۷، ص ۳۰؛ ۳۷، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۳] بنابراین زناى محصنه، مشمول اطلاق ادله‌ی احسان می‌شود؛ اطلاق روایاتی که حدّ را برای زانی یا زانیه‌ی بالغه تعیین کرده‌است که متبادر از آن روایات، حدّ کامل برای زانی است که اگر محسن باشد، حدّ آن جلد و سپس رجم است و اگر محسن نباشد فقط جلد می‌باشد. [۲۳، ج ۷، ص ۳۰؛ ۲۶، ج ۲۵، ص ۴۱۶؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۲] از دیدگاه برخی فقها، دلیلی وجود ندارد که صلاحیت داشته باشد تا روایات مطلق را مقید کند و بین این‌که مزنی‌بها صغیره باشد یا بالغه، فرقی قائل نشده‌است؛ [۲۶، ج ۲۵، ص ۴۱۵؛ ۴۰، ج ۳، ص ۸۸-۸۹] بنابراین با وجود دلیل شرعی (زناى محسن) که دلیل اجتهادی است، جایی برای اصله البرائت که دلیل فقاهتی است باقی نمی‌ماند؛ [۴۱، ج ۱، ص ۲۸۶] به دلیل این‌که زمانی به اصل مراجعه می‌شود که نصّی وجود نداشته باشد؛ چراکه نصّ و اصل در طول هم می‌باشند، نه در عرض هم تا این‌که هر کدام از آن دو، دلیل مستقلّ باشند و تمسک به هر کدام از آن دو صحیح باشد. [۵، ج ۹، ص ۱۰۴] ثانیاً- از دیدگاه برخی از فقها، اصل برائت از رجم، با اصل عدم وجوب جلد در تعارض است، [۴۳، ج ۱، ص ۴۵۲] و از آنجا که هیچ‌یک از این دو اصل بر دیگری ترجیح نداشته و با اختیار یکی از آن دو، ترجیح بلامرّجّح پیش می‌آید در نتیجه‌ی تعارض، تساقط حاصل شده و هیچ‌یک از این دو اصل مجری نخواهد بود بلکه باید به سراغ اصول و قواعد دیگر رفت و با اجرای قاعده «درأ»، می‌توان مجازات جلد را منتفی دانست؛ از این‌رو حکم به نفی مجازات رجم و اثبات جلد بلاشکال باقی نمی‌ماند.

۲-۲. دلیل دوم: نقص احترام صغیره نسبت به بالغه

استدلال دوم مبتنی بر این است که غیر بالغه، احترام کم‌تری نسبت به بالغه دارد؛ از این‌رو اگر مرد بالغ محسن با دختر بچه‌ی نابالغ زنا کند، رجم از وی منتفی شده و شلاق ثابت می‌شود. [۳۴، ج ۱۰، ص ۴۳۹؛ ۲۵، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ۳۷، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ۲۶، ج ۲۵، ص ۴۱۵؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴] مؤید نظر این دسته از فقها آن است که به خاطر همین احترام کم‌تر غیر بالغه در مقایسه با بالغه است که اگر کسی غیربالغه‌ای را قذف نماید، حدّ قذف بر وی جاری نمی‌شود. [۴۴، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ۲۶، ج ۲۵، ص ۴۱۵؛ ۴۰، ج ۳، ص ۸۸]

نقد و بررسی: اولاً- عقوبت و مجازات، منوط و مقید به کمال احترام نیست، بلکه

رجم، حدّ زناى مرد محصن است؛ [۴۱، ج ۱، ص ۲۸۵] ثانیاً- از منظر فقها، چنین چیزی جزو استحسانات ظنیّه است که اثبات حکم شرعی با آن ممکن نمی‌باشد و توان مقابله با اطلاعات روایات را ندارد. [۴۳، ج ۱، ص ۴۵۴؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۵]

۳-۲. دلیل سوم: نقص لذت در زناى مرد محصن با صغیره

طبق این استدلال، از آنجا که زناى مرد محصن با دختر بچه، لذت کم‌تری برای وی به همراه دارد لذا مجازت زنا با وی در مقایسه با مجازات زناى چنین مردی با زن بالغه، یکسان نیست و چنین استدلالی اقتضا می‌کند که به جای رجم، مجازات شلّاق اجرا شود. [۲۰، ج ۹، ص ۱۴۳؛ ۳۴، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۴۳۹؛ ۶، ج ۱۴، ص ۳۶۴؛ ۳۷، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۴۰، ج ۳، ص ۸۸؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۴؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۵]

نقد و بررسی: اشکال این دلیل آن است که اولاً- اینطور نیست که لذت زنا با دختر بچه نسبت به زن بالغه کم‌تر باشد؛ چراکه در زناى با دختر بچه (صغیره) در بعضی از موارد، لذت زیادتر و بیشتر از زناى با بالغه است. [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۲] در توجیه این مطلب می‌توان گفت: عنصر اصلی در تحقق بخشیدن یک فعل و حصول نتیجه از آن، بیش‌تر در جانب فاعل آن فعل وجود دارد و میزان لذتی که در مفعول پدید می‌آید رابطه‌ی نزدیک با فعلی دارد که از جانب فاعل صادر می‌شود. ثانیاً- زیاد و کم بودن لذت، ملاک و مناط حکم الهی واقع نمی‌شود؛ بلکه حکم، دائرمدار صدق زناست در حالی که زنا در اینجا محقق شده است، و به همین خاطر هنگامی که پیرمرد محصن مرتکب زنا شود هم شلّاق خورده و هم رجم می‌شود، در حالی که لذت زنا برای وی در مقایسه با زناکار جوان کم‌تر است. [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ۴۱، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۸۵]

۴-۲. دلیل چهارم: روایات و نقد آن

روایت اول- در روایت صحیح‌ه‌ی ابوبصیر آمده است: از امام صادق(ع) درباره‌ی پسر بچه ای که به سن ده سالگی نرسیده و با زنی زنا کرده‌است سؤال کردم؟ حضرت فرمود: پسر بچه کم‌تر از حدّ، تازیانه می‌خورد و زن، حدّ کامل (صد ضربه شلّاق) می‌خورد. گفته شد: اگر زن محصنه باشد چگونه حکم می‌شود؟ فرمودند: زن رجم نمی‌شود، زیرا کسی که با او نزدیکی شده است، به سنّ بلوغ نرسیده است و اگر به سنّ بلوغ رسیده بود زن رجم می‌شد. [۴۴، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱، ص ۳۲۱؛ ۳۶، ج ۷، ص ۱۸۰، حدیث ۱؛ ۲، ج ۲، ص ۵۳۴]

باب ۳۲۰، حدیث ۱؛ ۴۵، ج ۱۸، ص ۴۷؛ ۳، ج ۴، ص ۲۷؛ ۳۲، ج ۱۰، ص ۱۶-۱۷؛ ۸، ج ۱۸، ص ۳۶۲ب۹]

استدلال فقها [۱، ص ۴۳۲؛ ۲۰، ج ۹، ص ۱۴۳-۱۴۴؛ ۳۴، ج ۱۰، ص ۴۴۰؛ ۶، ج ۱۴، ص ۳۶۴؛ ۴، ج ۱۳، ص ۱۴؛ ۳۰، ج ۱۳، ص ۴۵۴؛ ۴۴، ج ۴۱، ص ۳۲۲؛ ۳۷، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۵؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۴] به این روایت از دو جهت است: یکی از ناحیه‌ی فحوی؛ و دیگری از جهت عموم دلیل ذکر شده در روایت.

الف: از ناحیه دلالت فحوی (قیاس اولویت): به این طریق که وقتی زن بالغه محصنه با پسر بچه زنا کند او را رجم نمی‌کنند، پس به طریق اولی، اگر مرد محسن با دختر بچه مرتکب زنا شود نباید رجم شود. [۳۴، ج ۱۰، ص ۴۳۹؛ ۴۴، ج ۴۱، ص ۳۲۲؛ ۲۵، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۲۶، ج ۲۵، ص ۴۱۵؛ ۴۰، ج ۳، ص ۸۸]

نقد و بررسی: این دلیل از چند جهت مخدوش است: اولاً- اثبات حکم شلاق (جلد) برای زانی محسن در زناى با صغیره به خاطر مقایسه‌ی آن با حکم جلد زانیه‌ی محصنه در زناى با طفل (پسر بچه)، قیاس مع الفارق است و قیاس در مذهب امامیه جایز نیست؛ زیرا روایت فقط در خصوص زناى محصنه با پسر بچه وارد شده است؛ [۳۸، ص ۹۸؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۴] ثانیاً- از دیدگاه عرف، لذتی که یک مرد در زناى با دختر بچه می‌برد بیش از لذتی است که یک زن از این عمل در زناى با یک پسر بچه می‌برد و لذت زن در زناى با پسر بچه، بسیار قلیل و کم می‌باشد. [۴۳، ج ۱، ص ۴۵۴؛ ۳۷، ج ۱، ص ۲۹۳؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۳۵، ص ۲۵۳]

ب: از ناحیه‌ی عموم دلیل نابالغ بودن زوج در روایت صحیح‌هی ابوبصیر: در روایت بیان شد که زن محصنه در زناى با پسر بچه رجم نمی‌شود برای این که زوج، بالغ نبوده است؛ بنابراین از این دلیل ممکن است این گونه استفاده شود که اگر مرد زانی محسن با صغیره زنا کند رجم نمی‌شود، زیرا منکوحه (صغیره)، به سن بلوغ نرسیده است. [۴۳، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۴؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۴]

نقد و بررسی: اشکال این دلیل آن است که: اولاً- از دیدگاه فقها، تعلیل ذکر شده در روایت (زیرا کسی که با او نزدیکی شده، به سن بلوغ نرسیده است) مختص زمانی است که ناکح (زانی)، نابالغ باشد؛ نه این که منکوحه (زانیه)، نابالغ باشد و ناکح و منکوح میان با یکدیگر هستند؛ بنابراین قیاس ناکح به منکوح، قیاس مع الفارق است، خصوصاً اگر لحاظ شود که زناى مرد بالغ با دختر بچه، مقرون به لذت برای مرد است؛ به خلاف

زنای پسرپچه با زن بالغه که لذت کمتری در آن است. [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۳؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۴] ثانیاً- استعمال زانیه (زنا دهنده) برای زن از باب مجاز است نه حقیقت؛ و فقها عموماً به جای زانیه، مزنیُّ بها (با او زنا شده) را بکار می‌برند؛ زیرا در حقیقت، این مرد است که با زن دخول می‌کند و زن این دخول را می‌پذیرد؛ بنابراین وقتی پسرپچه‌ای حتی با ترغیب و تحریک خود زن با او دخول می‌کند، زنا شرعی - که شرایط حدّ را داراست - محقق نشده است؛ چون فقها در زنا بلوغ را شرط می‌دانند؛ هرچند که زنا عرفی (دخول آلت تناسلی مرد در فرج زن) رخ داده است؛ در نتیجه، وقتی حتی مرد دیوانه‌ای با این زن بالغ (محصنه) زنا کند، حد کامل بر زن واجب می‌شود؛ زیرا درست است که این مرد فاقد عقل است ولیکن شرط بلوغ در جانب مرد محقق است و همین شرط برای اجرای حد کامل بر زن کافی است. باتوجه به این استدلال، وقتی که مرد بالغ محصن با دخترپچه‌ای (صغیره) زنا کند هرچند که دخترپچه بالغ نیست ولیکن در طرف مرد (زانی)، بلوغ محقق است و همین دلیل برای اجرای حدّ کامل (رجم) بر مرد کافی می‌باشد. [۳۸، ص ۹۸؛ ۲۷، ص ۲۳۷؛ ۲۹، ج ۱، ص ۶۰۱ و ۶۰۴] فقیهی در مقام تمثیل می‌گوید: «پس این مطلب (نفی رجم از زانی محصن در زنا با صغیره به خاطر قیاس آن با نفی رجم در زنا محصنه با صبی)، به خاطر عموم دلیل ذکر شده در روایت، یعنی نابالغ بودن زوج، نظیر این است که گفته شود: اگر پسر بچه‌ای مردی را بکشد او را نمی‌کشند، برای این که پسرپچه به سن بلوغ نرسیده است، بنابراین (عدم قصاص پسرپچه) دلالت نمی‌کند بر این که اگر مردی پسرپچه‌ای را بکشد کشته نمی‌شود؛ البته اگر در مقام استدلال گفته می‌شد: «به این دلیل که زنا با عدم بلوغ همراه گشته است» در این صورت، قطعاً تسری دادن حکم به مرد زانی محصن پسندیده می‌بود در حالی که این مطلب، برخلاف استدلالی است که در روایت وارد شده است.» [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۴]

روایت دوم: روایت موثقه‌ی ابی مریم است؛ ایشان گوید: «در آخرین دیداری که امام صادق(ع) را ملاقات کردم درباره‌ی پسرپچه‌ای که به سن بلوغ نرسیده و با زنی زنا کرده است از ایشان سؤال کردم که با آن دو چه می‌کنند؟ فرمودند: پسرپچه کم‌تر از حدّ، تازیانه می‌خورد و بر زن حدّ اقامه می‌شود، به حضرت گفتم: اگر دخترپچه‌ای که به سن بلوغ نرسیده است با مردی پیدا شود که با دخترپچه زنا می‌کند حکم چیست؟ حضرت فرمود: دخترپچه کم‌تر از حدّ، تازیانه می‌خورد و بر مرد حدّ اقامه می‌شود.» [۳۶، ج ۷،

ص ۱۸۰، حدیث ۲؛ ۳، ج ۴، ص ۲۷-۲۸، حدیث ۵۰۰۶؛ ۳۲، ج ۱۰، ص ۱۷، حدیث ۴۵؛ ۸، ج ۱۸، ص ۳۶۲، باب ۹، حدیث ۲]. گروهی از فقها [۳۸، ص ۹۸؛ ۶، ج ۱۴، ص ۳۶۵؛ ۴، ج ۱۳، ص ۴۵۴؛ ۲۳، ج ۷، ص ۳۰؛ ۳۰، ج ۱۳، ص ۴۵۴؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۵؛ ۴۱، انوارالفقاهه، ج ۱، ص ۲۸۵] برخی ضمن استدلال به روایت مذکور، معتقدند که این روایت، مطلق است و شامل حکم رجم برای هریک از محسن و محصنه می‌باشد. [۴۲، ج ۱، ص ۷۵؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۵]

نقد و بررسی: این که روایت مطلق بوده و شامل حکم رجم برای هریک از محسن و محصنه باشد، واضح و روشن نیست؛ به دلیل این که اولاً- از سیاق^۱ روایت برداشت می‌شود که به بیان فرق بین بالغ و غیر بالغ پرداخته است؛ زیرا نگفته است که حدّ اعم از ضرب (تازیانه) و رجم است. [۴۳، ج ۱، ص ۴۵۵] ثانیاً- لفظ «حدّ»، به قرینه‌ی مقابله اش «ما دون حدّ»، به خصوص جلد و تازیانه انصراف پیدا می‌کند. [۴۲، ج ۱، ص ۷۵؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۵؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۸]. ثالثاً- اگر سؤال، مطلق بود، نیازی نبود که از حکم پسرپچه و دخترپچه به طور جداگانه سؤال شود. [۲۳، ج ۷، ص ۳۰] فقیهی درباری منظور فرمایش امام (بر زن حدّ اقامه می‌شود) دو احتمال مطرح می‌کند: «ممکن است مراد از آن، مجرد جلد باشد به این صورت که الف و لام در «الغلام» برای عهد باشد؛ در نتیجه، زن به کمتر از حدّ زده شده و مرد حدّ کامل می‌خورد؛ پس به ناچار منظور همان شلّاق خواهد بود؛ و ممکن است که منظور، اجرای حدّ مناسب با زن است که برایش جعل شده است، به این که اگر محصنه نباشد شلّاق می‌خورد، و اگر محصنه باشد شلّاق خورده و رجم می‌شود، همچنان که شاید آوردن لفظ «یقام» به جای «یضرب» در کلام امام (ع) به این مطلب اشاره دارد؛ در نتیجه، این روایت با روایت ابوبصیر که رجم را از زن نفی کرده است تعارض پیدا می‌کند. [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۴]

با توجه به بیانات پیشین، از دیدگاه فقها مقتضای قاعده این است که اگرچه این روایت مطلق است ولیکن با روایت صحیح‌ه‌ی ابوبصیر که حکم رجم را از زن محصنه نفی کرده است مقید می‌شود؛ بنابراین زن محصنه در زناى با پسرپچه رجم نشده و فقط تازیانه می‌خورد. [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۴] در خصوص قول امام (ع) که فرمود: «بر مرد حدّ

۱. در اصطلاح دو معنا برای سیاق ذکر شده است: ۱- سیاق تنها دلالت مقالیه است که به آن سیاق لغوی هم می‌گویند. در این صورت سیاق عبارت خواهد بود از: اسلوب سخن، طرز جمله بندی عبارات، و نظم خاص کلام و یا روند کلی سخن؛ ۲- سیاق دلالت مقالیه و حالیه است که عبارت است از: هر گونه دلیلی که به الفاظ و عبارات پیوند خورده باشد، چه لفظی، چه حالی.

اقامه می‌شود» همین دو احتمال که در مورد زن گفته شد، مطرح می‌شود؛ یعنی جلد مرد اگر محصنه نباشد و جلد و رجم اگر محصنه باشد و هیچ‌کدام از این دو احتمال بر دیگری ترجیح ندارد؛ بنابراین همچنان تحت اطلاق (حکم رجم مرد محصن در زنا) با صغیره) باقی می‌ماند.^۱ [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۵]

روایت سوم: راوی گوید: از موسی بن جعفر (ع) پرسیدم: مجازات مردی که با دختر بچه ای مواجهه کرده است، چیست؟ حضرت فرمود: حدّ می‌خورد، و درباره مجازات پسر بچه ای که با زنی مواجهه کرده است پرسیدم؟ حضرت فرمود: آن زن شلاق می‌خورد و بر پسر بچه هیچ مجازاتی نیست». [۲۲، ص ۲۵۷، رقم ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵؛ ۸، ج ۱۸، ص ۳۶۳، حدیث ۵۴]

این روایت هم مطلق است و مشمول حکم رجم برای هر یک از محصن و محصنه است. [۳۰، ج ۱۳، ص ۴۵۶؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۶؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۵]

نقد و بررسی: استدلال به این روایت نیز همچون روایت سابق است و در خصوص آن گفته شده است: «در بعضی از روایات (صحیح‌های ابوبصیر) بر عدم رجم زانیه‌ی محصنه و اکتفا بر مجرد جلد تصریح شده است و چون اطمینان به عدم رجم زانی محصن در زنا با صغیره یا مجنون حاصل نمی‌شود پس هیچ چاره ای نیست جز آن‌که به ادله‌ی زنا مراجعه کنیم و می‌گوئیم: اگر زانی محصن نباشد مقتضای آیه و روایت همان جلد است و اگر محصن باشد پس آن جلد و رجم می‌شود بنا بر آن‌چه که گذشت و به خاطر عدم وجود دلیلی که صلاحیت داشته باشد روایات زنا و حکم احصان را تخصیص بزنند». [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۵]

۱. ممکن است به عنوان اشکال مقدر گفته شود که بین عموم روایت ابوبصیر مبتنی بر جلد و اطلاق ادله مبتنی بر رجم تعارض پیش می‌آید؛ به ویژه این که دلالت عموم بر عام، لفظی بوده و دلالت مطلق بر اطلاق با مقدمات حکمت است، در این حالت راه رفع تعارض چگونه است؟ در پاسخ خواهیم گفت: اولاً همان طور که در نقد و بررسی استدلال به روایت ابی مریم بیان کردیم گرچه روایت ابوبصیر و روایت ابی مریم به ظاهر تعارض دارند ولی تعارض آنها بدوی است که با اندک تاملی برطرف می‌شود به طوری که اطلاق روایت ابی مریم به وسیله روایت ابوبصیر که حکم رجم را از زانیه محصنه نفی کرده است مقید می‌شود؛ این در فرضی است که ما اطلاق روایت ابی مریم را قبول داشته باشیم، ولی حق آن است که اطلاق دلیل مطلق، متوقف بر مقدمات حکمت است و یکی از مقدمات حکمت این است که قرینه‌ای - متصله یا منفصله - دلالت‌کننده بر تقیید در کلام نباشد، اما با بیانی که در نقد و بررسی روایت ابی مریم بیان داشتیم معلوم می‌شود که قرینه وجود دارد و همین مانع از اطلاق گیری می‌شود و طبیعتاً دیگر اطلاقی نیست که با عموم روایت ابوبصیر تعارض کند؛ به عبارت دیگر، در یک سخن می‌توان گفت که تعارض مستقر در کار نیست بلکه تعارض بدوی است.

روایت چهارم: روایت مرسله ای که صاحب سرائر بدان استناد کرده است؛ در این روایت آمده است که وقتی مرد با دختر بچه ای که به بلوغ نرسیده است زنا کند، فقط شلاق می‌خورد و رجم نمی‌شود». [۸، ج ۱۸، ص ۳۶۳، باب ۹ از ابواب حد زنا، حدیث ۴] از دیدگاه فقها این روایت اگرچه ضعیف است ولی ضعف آن با شهرت جبران شده است. [۴۴، ج ۴۱، ص ۳۲۲؛ ۳۷، ج ۱، ص ۲۹۶؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۵]

نقد و بررسی: این روایت مرسله، معتبر نیست، به دلیل این که اولاً: چنین شهرتی ثابت نشده و محلّ بحث می‌باشد؛ [۴۴، ج ۴۱، ص ۳۲۲؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۵] ثانیاً: ما یقین نداریم که صاحب سرائر از باب فتوی دادن، این روایت مرسله را نقل کرده باشد یا این که فقط به صرف نقل کردن روایت، متعرض آن شده باشد؛ [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۶] و چه بسا حتی نظری مخالف با آن را اختیار کرده باشد؛ [۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۷] ثالثاً: برخی از فقها بیان داشته‌اند که با تمام تلاشی که در راه استخراج مصدر این حدیث از کتب اربعه و دیگر کتب روایی کرده‌اند چیزی نیافته‌اند. [۵، ج ۹، ص ۱۰۴] صاحب ریاض می‌گوید: «اگر روایتی را که این ادیسیس به صورت مرسله نقل کرده، شبهه‌ی احتمال ضعف دلالتی نمی‌داشت مستقلاً برای فقها می‌توانست حجّت باشد ... و به فرض که از قوی بودن روایت دست برداریم شکی نیست که باعث ایجاد شبهه‌ای می‌شود که به اتفاق نظر فقها حدود را ساقط می‌کند». [۳۰، ج ۱۳، ص ۴۵۵] فقیه‌ی نیز با صاحب ریاض هم مسلک شده و سقوط حدود با شبهات را به خاطر احتمال وجود نصّ مطرح کرده است. [۵، ج ۹، ص ۱۰۴] صاحب جواهر در مقام پاسخ به صاحب ریاض گفته است: «وقتی ادله‌ی معتبر برای زناى مرد محصن رجم را ثابت می‌کند یک روایت مرسله و ضعیف نمی‌تواند باعث ایجاد شبهه شده و او را از رجم تبرئه کند و ادله‌ی اعتباری نظیر کم بودن لذت و غیره نیز نمی‌تواند دلیل باشد». [۴۴، ج ۴۱، ص ۳۲۲]

۲-۵. دلیل پنجم: سقوط حدود با شبهه

وقتی شک داریم که آیا علاوه بر مجازات شلاق - که مورد اتفاق فقهاست - رجم هم ثابت می‌شود یا نه؟ در چنین حالتی شبهه پیش می‌آید در حالی که شبهه حدّ را ساقط می‌کند. [۶، ج ۱۴، ص ۳۶۵؛ ۳۷، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ۴۲، ج ۱، ص ۷۴؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۴؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۶]

نقد و بررسی: طبق بیان فقها، شبهه در مقابل حجّت شرعی، موجب سقوط حدود نمی‌شود؛ وگرنه هیچ عامّ یا مطلق یا ظاهری نیست، آلا این که احتمال خلاف در آن

وجود دارد؛ با این حال، به آن احتمال خلاف توجه نمی‌شود [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۶]. بنابراین، با وجود اطلاق ادله، هیچ شبهه‌ای در کار نیست و دلیلی هم وجود ندارد که صلاحیت تقیید برای اطلاق ادله را داشته باشد.^۱

۲-۶. دلیل ششم: قیاس حکم زناى زانیه‌ی محصنه با صغیر و زانی محصن با صغیره
 فقها [۴۲، ج ۱، ص ۷۴] بیان داشته‌اند که وقتی زن محصنه در زناى با پسرپیچه رجم نمی‌شود، اگر مرد محصن نیز با دختر صغیره زنا کند رجم نمی‌شود؛ زیرا فقها میان آن دو (زناى محصنه با صبی و زناى محصن با صغیره) قائل به انفکاک حکم نیستند؛ یعنی هر کس که قائل به رجم شده است در هر دو مورد قائل شده‌است و هر کس به شلاق (جلد) قائل شده‌است باز در هر دو مورد چنین نظری دارد؛ زیرا بر عدم فرق بین زناى زن محصنه با صبی و بین زناى مرد محصن با صغیره، اجماع است. [۳۰، ج ۱۳، ص ۴۵۵؛ ۳۸، ص ۹۴]
نقد و بررسی: این دلیل نیز از چند جهت مخدوش است؛ زیرا اولاً: از دیدگاه فقها، چنین اجماعی محرز نمی‌باشد؛ ثانیاً: چنین نیست که همه فقها بین حکم این دو فرض، تفصیل نداده و تفاوتی نگذاشته باشند. [۴۴، ج ۱، ص ۲۲۹؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷] چه آن‌که ابن زهره و ابن جنید، بین این دو فرض تفاوت قائل شده و مرد زناى را مستحق رجم و زن زانیه را مستحق جلد دانسته‌اند؛ ثالثاً- به واسطه‌ی قائل نشدن به تفصیل و تفاوت بین دو فرض مذکور، اجماع مرگب احراز نمی‌گردد. [۴۳، ج ۱، ص ۴۵۴]

۲-۷. دلیل هفتم: انصراف ادله از حکم نفی رجم از زانی محصن در زناى با صغیره
 استدلال دیگر برای منتفی دانستن رجم از مرد محصن آن است که ادله‌ای که بر ثبوت رجم در زناى محصنه دلالت دارند، از چنین موردی که مرد محصن با دخترپیچه مرتکب زنا شده باشد انصراف دارند، [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۳]
نقد و بررسی: در پاسخ دلیل فوق می‌توان گفت که اولاً- [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۱] بر فرض که بپذیریم چنین انصرافی وجود داشته باشد، یک انصراف بدوی است و با اندک تأملی از بین می‌رود؛ [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۲] به خاطر این‌که منشأ انصراف، یا غلبه الوجود

۱. البته از دو سو می‌توان عروض شبهه را تقویت کرد: یکی از جهت صدق عنوان عام بر محل بحث است و در شبهات مفهومی، تمسک به عام صحیح نیست؛ دیگر هم از جهت همان خبر ضعیف معارض که طبق برخی مبانی می‌تواند محقق شبهه باشد.

یا غلبه الاستعمال است که در ما نحن فیه، هیچ‌یک از این دو جاری نیست. از این‌رو انصراف بدوی خواهد بود؛ و نتیجه بدوی بودن انصراف آن است که در خصوص مرد زانی محسن هم می‌توان به ثبوت رجم حکم کرد. ثانیاً- با وجود انصراف، در اصل حدّ شکّ می‌شود و لازمه‌ی چنین شکّی آن است که اصلاً حدّی بر زانی محسن اقامه نشود؛ نه این‌که صرفاً رجم از مرد محسن منتفی شود چنان‌که مدّعا همین است، آلا این‌که بر وجوب شلاق، ادّعی اجماع شود. [۳۷، ج ۱، ص ۲۹۲]

۳- قول دوم: ثبوت رجم برای مرد محسن و زن محصنه و ادله آن

در مقابل، عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که در چنین حالتی مرد محسن و زن محصنه محکوم به رجم بوده و از این حیث بین طرف مقابل زنا فرقی نگذاشته‌اند که بالغ باشد یا نابالغ؛ به عبارت دیگر، همان مجازاتی را که برای زناى محصنه با زانی بالغ قائل شده‌اند برای زناى محصنه با زانی نابالغ نیز در نظر گرفته‌اند. [۱۲، ج ۳، ص ۴۴۳؛ ۱۱، ص ۴۰۵؛ ۶، ج ۱۴، ص ۳۶۵]. طرفداران این دیدگاه برای اثبات ادّعی خود به دلایل زیر استناد جسته‌اند:

۳-۱. دلیل اول: اطلاق روایات

روایاتی که به طور مطلق و بدون هیچ قیدی، زانی بالغ و زانیه‌ی بالغه را مستوجب حدّ دانسته است و این روایات برحسب حال و شرایط زانی و زانیه حمل می‌شود که اگر محسن باشند جلد و رجم می‌شوند و در صورت عدم احسان فقط تازیانه می‌خورند. [۶، ج ۱۴، ص ۳۶۵؛ ۲۳، ج ۷، ص ۳۰] ایشان به روایاتی همچون صحیح‌ی ابی بصیر که حکم رجم را از زن محصنه در زناى با پسر بچه نفی کرده دو اشکال اساسی وارد کرده‌اند: اول: این روایت و امثال آن اخصّ از مدّعاست و با روایاتی که به طور مطلق، حدّ را بر مرد بالغ و زن بالغه لازم دانسته‌است، تعارض می‌کند و این روایات بر حدّ معهود و حسب حال زناکار حمل می‌شود که ممکن است محسن باشد یا نباشد. [۳۰، ج ۱۳، ص ۴۵۴] دوم: برخی از فقها به این روایت اشکال وارد کرده‌اند که ضعیف است، زیرا ابوبصیر بین ثقه و غیر ثقه مشترک است و اطمینان به صحتّ کلام او ایجاد نمی‌شود. [۴۱، ج ۱، ص ۲۸۴]

نقد و بررسی: این دلیل قابل اشکال است؛ زیرا اولاً: بعضی از فقها، روایت صحیح‌ی ابوبصیر را از حیث سند معتبر دانسته‌اند [۴۱، ج ۱، ص ۲۸۴]، ثانیاً: مشهور فقها مطابق مضمون روایت صحیح‌ی ابوبصیر فتوا داده‌اند [۲۵، ج ۱، ص ۱۹۸]، ثالثاً: از دیدگاه فقها،

روایت ابوبصیر در عدم رجم زانیه‌ی محصنه صریح است، زیرا در آن تصریح شده است به این‌که زن رجم نمی‌شود با این استدلال که زانی، بالغ نبوده است و اگر بالغ بود زانیه سنگسار می‌شد؛ برخلاف روایات دیگر که از ناحیه رجم‌زانی محصن و محصنه اطلاق دارد؛ پس معلوم می‌شود که منظور از مطلق حدّ در خصوص زانیه‌ی محصنه در آن روایات (همچون موثقه‌ی ابن بکیر)، یکصد ضربه تازیانه است، نه رجم، بنابراین حکم رجم زانیه‌ی محصنه در زنا با پسر بچه نابالغ از عمومات و اطلاق خارج است؛ لیکن حکم رجم زانی محصن همچنان تحت این عمومات و اطلاق باقی می‌ماند و دلیلی هم وجود ندارد که صلاحیت تقیید این اطلاق را داشته باشد؛ بنابراین در خصوص زانی محصن، مقتضای اطلاق روایات، ثبوت رجم است. [۴۴، ج ۱، ص ۲۲۸؛ ۴۰، ج ۳، ص ۸۸-۸۹]

۳-۲. دلیل دوم: تحقق زنا و احسان با هم

برخی از فقها با استناد به ظاهر عبارت شیخ مفید در «المقنعه» که گفته است هرکس با دختر بچه زنا کند حدّ می‌خورد و دختر بچه حدّ نمی‌خورد لکن تادیب می‌شود با چیزی که از انجام امثال چنین کاری خودداری ورزد؛ و زن هنگامی که با پسر بچه‌ای که بالغ نشده، زنا کند بر آن زن حدّ اقامه می‌شود و پسر بچه حدّ نمی‌خورد لکن به همان شکلی که در تادیب دختر بچه گفتیم تادیب می‌شود؛ [۳۳، ص ۷۷۹] معتقدند که چون احسان و زنا با همدیگر تحقق یافته است مطابق اطلاق روایات، موجب حد رجم برای زانی و زانیه است. [۲۰، ج ۹، ص ۱۵۸]

نقد و بررسی: این دلیل نیز مخدوش است زیرا اولاً، درست است که بعضی از فقها، رجم زانی محصن و زانیه‌ی محصنه در زنا با صغیره و صغیر را واجب شمرده‌اند لیکن بعضی دیگر از فقها با ایشان مخالفت کرده و همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد دو قول دیگر در مسأله موجود است؛ ثانیاً، درست است که احسان و زنا با هم تحقق دارد که مطابق اطلاق روایات، موجب حدّ رجم برای زانی و زانیه است ولی ما در دلیل قبل بیان کردیم که این روایات اگرچه مطلق است اما با روایت صحیح‌ه‌ی ابوبصیر که حکم رجم را از زن محصنه در زنا با پسر بچه به خاطر عدم بلوغ پسر بچه نفی کرده و مشهور فقها به آن فتوا داده‌اند، تقیید می‌خورد؛ بنابراین حکم رجم زانیه‌ی محصنه در زنا با پسر بچه از شمول اطلاق خارج بوده و تخصیص می‌خورد؛ ثالثاً، خود فقها در مفهوم کلام ایشان، دچار اختلاف شده‌اند؛ در حالی‌که ابن ادریس [۱۲، ج ۳، ص ۴۴۳] مطلق حدّ را به رجم تعبیر کرده است. برخی از فقها بیان داشته‌اند که کلام شیخ مفید، منافی با کلام شیخ

طوسی (که قائل به جلد زانی محسن در زناى با صغیره و زانیه‌ی محصنه در زناى با صغیر شده است) نمی‌باشد، برای این که یکصد تازیانه، حدّ نامیده می‌شود. [۲۰، ج ۹، ص ۱۴۴]

۳- قول سوم: قول به تفصیل و ادله آن

برخی از فقها نه به طور مطلق، حکم به رجم داده و نه به طور مطلق به مجازات صد ضربه شلاق حکم کرده، بلکه قائل به تفصیل شده‌اند؛ به این ترتیب که برای مرد زانی محسن که با دختر بچه زنا کند، به ثبوت رجم قائل شده و برای زن زانیه محصنه هنگامی که پسر بچه با وی مرتکب زنا شود به عدم ثبوت رجم حکم داده و بلکه در چنین حالتی معتقدند که زانیه فقط صد ضربه شلاق می‌خورد. [۱۱، ص ۴۰۵؛ ۴۴، ج ۴۱ ص ۳۲۰؛ ۲۴، ج ۲، ص ۴۶۳؛ ۲۵، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ۴۳، ج ۱، ص ۴۵۲]؛ قول به تفصیل، از ظاهر عبارت برخی از فقها نیز قابل استنباط است. [۱۰، ص ۴۲۳؛ ۲۰، ج ۹، ص ۱۴۳] طرفداران این دیدگاه برای اثبات ادعای خود به دلایل زیر استناد جسته‌اند:

۳-۱. دلیل نقلی

در امور جزایی و کیفری، برای مجازات مجرم، استنباط حکم جایز نیست؛ بلکه باید به نصّ شارع و قانون‌گذار در این خصوص توجه کرد. حال اگر در خصوص بعضی از جرائم، شارع حدّی را مشخص نکرده باشد لیکن آن جرم گناه بوده و قابل چشم پوشی نباشد قاضی می‌تواند شخص مجرم را تعزیر کند؛ [۳۸، ص ۹۸] روایت ابوبصیر (بنابر این که ثقه باشد) اولاً؛ در کلام بسیاری از فقها به وصف صحت شناخته شده است و در واقع، یک روایت صحیحه است؛ ثانیاً؛ مشهور فقها به آن فتوا داده‌اند؛ ثالثاً؛ در آن تصریح شده است که زن محصنه در زناى با پسر بچه به دلیل فقدان بلوغ وی رجم نمی‌شود؛ بنابراین، این نصّ و روایت، متمایز دهنده‌ی حکم بین دو فرع مذکور (زناى محسن با صغیره و زناى محصنه با صغیر) می‌باشد، زیرا در خصوص زانی محسن همان‌طور که سابقاً نیز بیان شد مقتضی اطلاقات روایات و ادله، ثبوت رجم است و دلیلی وجود ندارد که صلاحیت تخصیص حکم رجم زانی محسن در زناى با صغیره را داشته باشد. [۲۵، ج ۱، ص ۱۹۸]

۳-۲. دلایل غیر نقلی

۳-۲-۱. دلیل اول: صدور عمل زناشویی از جانب مرد و توجه به فاعلیت او در زنا در خصوص طرفین زنا فقها عموماً در مورد زن به جای زانیه، مزنیّ بها (زنا شده با او) را

بکار برده اند و در واقع، مجازاً زانیه را استعمال کرده‌اند؛ زیرا در حقیقت، این مرد (زانی) است که عمل نزدیکی از او صادر شده و زن آن را مورد پذیرش قرار می‌دهد؛ بنابراین وقتی حتی پسریچه ای با تحریک و ترغیب خود زن، با او زنا می‌کند چون فقها در زنا بلوغ را شرط می‌دانند، زناى شرعى که شرایط حدّ را داشته باشد محقق نشده است؛ هرچند زناى عرفی یعنی دخول، تحقق یافته است. با توجه به استدلال ذکرشده، در جهت عکس آن، وقتی مرد محصن با دخترپچه ای زنا کند از دیدگاه فقها، بلوغ محقق است و زناى شرعى که شرایط حدّ را دارد واقع شده است و مقتضى حدّ کامل بر مرد است. [۳۸، ص ۹۸؛ ۲۷، ص ۲۳۷؛ ۲۹، ج ۱، ص ۶۰۱ و ۶۰۴]

۳-۲-۲. دلیل دوم: تحقق زناى به عنف در زناى زانی محصن با دخترپچه به علت فقدان یا نقصان اراده در صغیره

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به این که حقوق اسلامی، برای رضایت کودک و مجنون اعتباری قائل نشده است آیا می‌توان گفت زنا با آنها یا سایر اعمال منافی عفت همچون لواط مطلقاً تجاوز به عنف است؟ در این میان، بین فقها و آرای حقوقی اختلاف مشاهده می‌شود؛ برخی از فقها رضایت صغیر غیر ممیز و مجنون را معتبر ندانسته‌اند؛ [۳۹، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ ۳۸، ص ۱۰۰] برخی از فقها با حکم ایشان مخالفت کرده و وجود رضایت را حتی در غیر بالغ برای خروج عنوان از زناى اکراهی و مستوجب قتل کافی دانسته اند. (ر.ک: ۳۹، ص ۱۵۰) در آرای حقوقی در این خصوص تفاوت به چشم می‌خورد. در رأی مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۸ شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور آمده است: صرف نابالغ بودن مجنی علیه دلیل تحقق عنف نیست» [۹، ص ۱۱۱] لیکن در قسمت دیگر در نظر مشورتی شماره ۷/۳۷۵ مورخ ۱۳۸۴/۹/۹ بیان شده است که: «اگر بتوان موردی را پیدا کرد که زنا با صغیره بدون عنف و اکراه تحقق یافته باشد مجازات آن همانند مجازات زناى با زن بالغه با عنف و اکراه خواهد بود». [۳۹، ص ۱۵۰؛ ۷، ص ۳۳۵]. همان‌طور که مشاهده می‌شود این رأی بنا را بر این گذاشته است که زناى با صغیره، زناى به عنف و اکراه است. همچنین ماده ۸۲ قانون مجازات مصوّب ۱۳۷۰ که تحت مواردی حکم قتل را برای حدّ زنا تعیین کرده بود در بند د بیان می‌کرد: «زناى به عنف و اکراه موجب قتل زانی اکراه کننده است». قدر متیقن از این بند، زناى با قهر و غلبه و تهدید و اکراه بوده و در سایر موارد با ابهام و خلأ قانونی مواجه بود لکن مقنن در

تبصره دو ماده ۲۲۴ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، حکم برخی از موارد این ابهام را روشن کرد. [۳۹، ص ۱۵۱] تبصره دو این ماده بیان می‌دارد: «هرگاه کسی با زنی که راضی با زناى با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زناى به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است». در واقع می‌توان گفت که اختلاف و تردید در وجود یا عدم وجود قصد و اراده در صغیره، به یکی از این دو مبنا بر می‌گردد: ۱- یا زناى اکراهی مستوجب قتل را زناى با قهر و غلبه بدانیم، ۲- یا این که زناى اکراهی را مطلقاً در معنای موسّع گرفته و هرگونه عدم رضایت را برای احراز عنوان زناى به عنف و اکراه کافی بدانیم؛ مثلاً در لحظه‌ی وقوع جرم به علت بیهوشی مجنیّ علیها یا خواب مجنیّ علیها و یا ... از این حالات مقاومتی در این جرم از سوی او وجود نداشته است. [۳۹، ص ۱۵۰]

استدلال برخی از فقها در خصوص تحقق در حکم زناى به عنف در زناى زانی محسن با صغیره در اینجا این است که اولاً؛ با توجه به فاعلیت مرد در عمل زناى با صغیره، ثانیاً؛ با توجه به فقدان قصد و اراده در دختر بچه، هرگاه مردی با دختر بچه ای زنا کند به علت نبودن رضایت در دختر بچه یا حداقل ناقص و معلول بودن رضایت صغیره به علت فقدان قصد و اراده، عمل مرد، اجبار و غصب فرج خواهد بود و مصداق زناى به عنف محسوب می‌شود. [۳۸، ص ۱۰۰؛ ۳۹، ص ۱۵۱] می‌توان به دو مؤید از قانون مجازات اسلامی برای تأیید قول برخی از فقها مبنی بر تحقق زناى به عنف با صغیره اشاره کرد: ۱- تبصره ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته است: «رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی به زنا نداشته باشد در حکم عدم رضایت است». همچنین تبصره ۲ ماده ۲۲۴ ق.م.ا. زناى با دختر نابالغ را از طریق اغفال و یا فریب وی در حکم زناى به عنف قرار داده، و زانی را مستوجب قتل دانسته است حتی اگر محسن نباشد.

۳-۲-۳. دلیل سوم: تفاوت صغیره و صغیر در شدت زیان وارده بر آنها

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد شدت آسیبی که از جنبه‌های مختلف در زناى مرد با دختر نابالغ وارد می‌شود، بسیار شدیدتر از آسیبی است که به پسر بچه در زناى زانیه‌ی محسنه با او وارد می‌شود و آنچه یک دختر بزه‌دیده از زنا از دست می‌دهد بسیار

بیشتر از چیزی است که یک پسر بچه در زنا با زن بالغ از دست می‌دهد. [۳۵، ص ۲۵۳؛ ۴۱، ج ۱، ص ۲۸۵]

۳-۲-۴. دلیل چهارم: تفاوت زانی و زانیه‌ی بالغ در میزان لذت جنسی وارده بر آن‌ها

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، لذتی که یک مرد در زنا با دختر بچه می‌برد بیش از لذتی است که یک زن از این عمل در زنا با یک پسر بچه می‌برد. [۴۳، ج ۱، ص ۴۵۴] هر چند بیان شد که از دیدگاه فقها، ملاک برای حکم الهی، دایره مدار کثرت لذت و قلت آن نیست و چنین مسئله‌ای نمی‌تواند دلیل برای صدور حکم الهی محسوب شود؛ لیکن در مقام تفاوت بین زانی زانی محصن با صغیره و زانی زانیه‌ی محصنه با صغیر می‌توان به آن اشاره کرد.

برای دلیل غیر نقلی سوم و چهارم (تفاوت صغیره و صغیر در شدت آسیب وارده بر آن‌ها و تفاوت زانی بالغ و زانیه‌ی بالغ در میزان لذت جنسی) نیز می‌توان به دو مؤید اشاره کرد:

اول: برخی از فقها، [۱۴، ج ۴، ص ۹۳۷] بعد از آن که حکم جلد را برای زانی محصن در زنا با صغیره ثابت دانسته و در واقع، حکم رجم را برای زانی محصن تخصیص زده‌اند در حکم خود تردید کرده‌اند.

دوم: فقها از میان سه قولی که برگزیده‌اند، در دو قول مبنی بر این که حکم رجم از زانیه‌ی محصنه در زنا با پسر بچه تخصیص خورده است و فقط جلد اجرا می‌شود اتفاق نظر دارند و فقط یک نظر اختلافی باقی می‌ماند که حدّ کامل را برای زانی و زانیه‌ی محصنه در زنا با صغیره و صغیر واجب شمرده است و دلیل اصلی و عمده‌ی ایشان همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد اطلاق روایات بود که بیان شد این روایات مطلق توسط روایت صحیح‌ه‌ی ابوبصیر مقید می‌شود و حکم جلد را برای زن در زنا با پسر بچه (صغیر) اثبات می‌کند و در این صورت، نظریه مختار (تفصیل حکم بین دو فرع مذکور) اثبات می‌شود.

نتیجه

از مجموع مطالب مطرح شده و نقد و بررسی اقوال گوناگون در این موضوع به دست می‌آید که:

۱- گرچه ماده ۲۲۸ ق.م.ا. حکم مجازات زناى زانیه با زانی نابالغ را متذکر شده است، اما در خصوص زناى زانی با زانیه نابالغ، سکوت اختیار کرده است. با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که در موارد سکوت و ابهام و اجمال قانون، مراجعه به منابع معتبر فقهی و فتاوی معتبر فقهی را لازم دانسته است معلوم می‌شود که فقها در خصوص حکم فقهی زناى مرد بالغ محسن (زانی) با دختر بچه نابالغ (مزنی‌بها)، اتفاق نظر نداشته بلکه مبتنی بر سه قول اختلاف نظر است: اول- جلد زانی محسن و زانیه محسنه؛ دوم- رجم زانی محسن و زانیه- ی محسنه؛ سوم- تفصیل حکم بین مرد و زن زناکار، به این صورت که زن زانیه محسنه، تازیانه (جلد) می‌خورد و مرد زانی محسن رجم می‌شود.

۲- با تتبع در ادله‌ی هر یک از اقوال، معلوم می‌شود ادله‌ای که مبنی بر منتفی بودن رجم از مرد زانی محسن و ثبوت جلد برای وی بدان استدلال شده است با اشکالات گوناگون مواجه بوده و قابل خدشه می‌باشند؛ و چنانچه ادعا شود که عموم روایت ابوبصیر با اطلاق ادله مخصوصاً روایت ابی مریم تعارض می‌کند، باید گفت که این تعارض مستقر نبوده و بلکه تعارض بدوی است؛ و از طرف دیگر، اطلاق و عموم ادله هم به حدی قوی است که صلاحیت تخصیص یا تقیید ندارد. در نتیجه، با تمسک به اطلاقات ادله‌ی احسان (روایات) مجازات شلاق (جلد) منتفی می‌شود. از طرف دیگر، ادله‌ی استنادی موافقین مجازات شلاق و نفی رجم، نظیر عموم روایت ابوبصیر، اصل برائت از رجم، و وجود شبهه، از صلاحیت کافی برای نفی مجازات رجم از مرد زانی محسن برخوردار نیست. به علاوه، وقتی که دلیل اجنهادی (روایت) مبنی بر ثبوت رجم وجود دارد نوبت استدلال به قواعد فقهیه (قاعده درأ) و اصول عملیه (برائت) و یا اصول دادرسی کیفری (اصل تفسیر مضیق به نفع متهم) نخواهد رسید.

۳- با توجه به این که قائل شدن به مجازات رجم، از نظر تحلیل فقهی، قوی‌تر به نظر می‌رسد مناسب است که قانون‌گذار محترم در ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی، به مجازات رجم برای زانی محسن در زنا با دختر بچه نابالغ، تصریح نماید تا هم ابهام موجود در این ماده برطرف گردد، و هم زمینه‌ی ایجاد تشتت در آرای محاکم قضائی را از بین ببرد.

متن پیشنهادی نویسندگان از این قرار است: «تبصره- در زناى محسنه، چنانچه زانی بالغ، و مزنی‌بها نابالغه باشد مجازات زانی رجم است».

منابع

- [۱]. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین (۱۴۱۵ ق). المقنع، قم، مؤسسه الامام الهادی (ع).
- [۲]. ——— (۱۳۸۶ ش). علل الشرائع، جلد دوم، نجف اشرف، مکتبه الحیدریه.
- [۳]. ——— (۱۴۰۴ ق). من لایحضره الفقیه، جلد چهارم، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۴]. اردبیلی (مقدس)، احمد بن محمد (۱۴۱۶ ق). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، جلد سیزدهم، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۵]. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق). الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه، جلد نهم، چاپ اول، قم، انتشارات داورى.
- [۶]. ——— (۱۴۱۹ ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد چهاردهم، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- [۷]. حجتی، سیدمهدی؛ باری، مجتبی (۱۳۸۴ ش). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، نشر میثاق عدالت.
- [۸]. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۴). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد هجدهم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۹]. حسینی، سید محمدرضا (۱۳۸۲ ش). قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- [۱۰]. حلبی (ابن زهره)، حمزه بن علی بن زهره (۱۴۱۷ ق). غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، چاپ اول، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع).
- [۱۱]. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳ ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین (ع).
- [۱۲]. حلی (ابن ادریس)، محمد بن منصور (۱۴۱۱ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد سوم، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۱۳]. حلی (ابن فهد)، احمد بن محمد بن فهد (۱۴۱۳ ق). المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، جلد پنجم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۱۴]. حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۱۵ ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات استقلال.
- [۱۵]. ——— (۱۴۱۰ ق). المختصر النافع فی فقه الامامیه، چاپ سوم، قم، الدراسات الاسلامیه فی مؤسسه البعثه.
- [۱۶]. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ق). ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، جلد دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۱۷]. ——— (۱۳۶۸ ش). تبصره المتعلمین فی احکام الدین، چاپ اول، تهران، انتشارات فقیه.
- [۱۸]. ——— (۱۴۲۲ ق)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، ج ۵، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، چاپ اول.
- [۱۹]. ——— (۱۴۱۹ ق). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد سوم، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

- [۲۰]. _____ (۱۴۱۹ ق). *مختلف الشیعه*، جلد نهم، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۲۱]. حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق). *الجامع للشرائع*، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
- [۲۲]. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ق). *قرب الاسناد*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- [۲۳]. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ ق). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، جلد هفتم، چاپ دوم، تهران، کتابخانه صدوق.
- [۲۴]. خمینی(امام)، سید روح الله (؟). *تحریر الوسیله*، جلد دوم، چاپ اول، قم، دار العلم.
- [۲۵]. خوئی، سید ابوالقاسم (؟). *مبانی تکمله المنهاج*، نجف اشرف، مطبعه الآداب.
- [۲۶]. روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴ ق). *فقه الصادق*، جلد بیست و پنجم، چاپ سوم، قم، دار الکتاب.
- [۲۷]. زراعت، عباس (۱۳۹۴ ش). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی حدود(جرایم منافی عفت)*، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.
- [۲۸]. شاه ملک پور، حسن (۱۳۹۶ ش). *فقه جزایی استدلالی تحلیلی بر جرایم حدی و احکام قصاص در فقه امامیه*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- [۲۹]. شکری، رضا (۱۳۹۵ ش). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر مهاجر.
- [۳۰]. طباطبائی(صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۲۲ ق). *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، جلد سیزدهم، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۳۱]. طوسی(شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (؟). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، قم، انتشارات قدس محمدی.
- [۳۲]. _____ (۱۳۶۵ ش). *تهذیب الاحکام*، جلد دهم، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۳]. عکبری بغدادی(شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰ ق). *المقنعه*، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۳۴]. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۲۴ ق). *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام*، جلد دهم، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۳۵]. فتحی، حجت‌الله (۱۳۹۴ ش). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، چاپ اول، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع).
- [۳۶]. کلینی(شیخ)، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ ش). *الکافی*، جلد هفتم، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۷]. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲ ق). *الدر المنضود فی احکام الحدود*، جلد اول، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم.
- [۳۸]. محمودی، عباسعلی (۱۳۶۸ ش). *پژوهشی حقوقی، فقهی و اجتماعی درباره نکاح و زنا با صغیره*، چاپ اول، تهران، انتشارات عطائی.
- [۳۹]. مزیدی شرف آبادی، علی (۱۳۹۳ ش). *تحلیل فقهی حقوقی اجبار و اکراه در حدود و تعزیرات*، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- [۴۰]. مطهری، احمد (۱۳۶۴ ش). *مستند تحریر الوسیله*، ترجمه هاشم نوری، جلد سوم، قم، بی نا.
- [۴۱]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸ ق). *أنوار الفقاهه*، جلد اول، چاپ اول، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع).

- [۴۲]. منتظری نجف آبادی، حسینعلی (؟). کتاب الحدود فی مباحث الزنا و اللواط و السحق و القياده، جلد اول، قم، دار الفکر.
- [۴۳]. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۸۵ ش). فقه الحدود و التعزیرات، جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید.
- [۴۴]. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۶۳ ش). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد چهل و یکم، تحقیق محمود قوچانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- [۴۵]. نوری، میرزا حسن (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد هجدهم، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

